

برکت امروز یا برکات خدا

ابوهاشم جعفری می‌گوید: روزی که حضرت جواد(ع) المفضل دختر مامون را به همسری گرفت، گفت: ای مولای من، برکت امروز بر ما با عظمت بود. امام فرمود: ای ابوهاشم، «بر کات خدا» است که امروز بر ما با عظمت است. گفت: بله حق با شهادت، عرض کردم، امروز چه بگویم؟ فرمود: خیر و خوبی بگو که در آن صورت به آن می‌رسی. گفت: حتما چنین خواهم کرد و مخالفتی ندارم. آنگاه فرمود: در این صورت راه را درست رفته‌ای و خیر جز خوبی نخواهی دید. (تحف‌العقول، ص ۴۸۰–۴۷۹)

نقص‌ها و بدی‌ها، محصول عملکرد خود انسان

براساس تعلیم دینی همه حسنات و خوبی‌ها مانند عاقبت، امنیت، آسایش، نعمت‌های مادی و معنوی و ... از ناحیه خدای مهربان است و در مقابل، همه سینئات و بدی‌ها مانند مرض، ناامنی، راحتی، ذلت، فقر، فتنه و ... تماما منشأش قدرت خدا انسان‌ها هستند. (المیزان، ص ۹)

به تعبیر یکی از علما، زمین که دور خود و خورشید می‌گردد، قسمتی که رو به خورشید است، روز و روشن است و اگر یک طرف تاریک است، چون پشت به خورشید کرده وگرنه خورشید همواره نور می‌دهد و زمین هم هرچه نور دارد از خورشید است. کمالات انسان نیز همه از خداست و نقص‌هایش از خود اوست. (تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۸۴).

آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: امروزه فال و فالگیری یک نوع پیشگویی و غیب‌گویی است که در اسلام برای افراد عادی حرام است. اما تفال (فال نیک زدن) دربرابر تطیر(فال بد زدن) در اسلام پذیرفته شده است. پیامبر(ص) درباره کارها فال نیک را می‌پسندید و فال بد نمی‌زد.

در قرآن کریم نیز داریم که آنچه از خوبی‌ها به تو می‌رسد ازسوی خدا بوده و آنچه از بدی‌ها سبراعت می‌آید از خود تو است.(نساء، ۷۹) بنابراین در کلام نورانی امام جواد(ع) به دو نکته یابد خوب توجه کرد. نکته اول اینکه، تعبیر «برکت امروز» که ابوهاشم به کار برد، حداقل دو اشتکال دارد. ۱) سرچشمه اصلی و حقیقی برکت که خدا باشد، معرفی نشده است. بلکه آن را به امروز نسبت داده است و این درواقع نوعی شرک و غفلت از توحید ربوی است. و امام(ع) آن را با عبارت «برکات خدا» اصلاح فرمودند. ۲) تعبیر «برکت امروز» درحقیقت غفلت از نعمت‌های بی‌شمار الهی است. زیرا به شکل منفرد به کار رفته است و حضرت آن را با عبارت جمع «برکات» تصحیح کردند. اما نکته دوم اینکه: امام(ع) درپاسخ ابوهاشم که پرسید امروز چه بگویم؟ فرمود: از خیر و خوبی سخن بگو. جهان هستی بر مدار حق و خیر می‌گردد. زاویه دید، اما نگاه مثبت و عارفانه به عالم است. لذا توصیه می‌فرمایند که ما انسان‌ها باید این چنین نگاهی به جهان و رخدادها داشته باشیم و قطعا امید و نشاط، خیر، کمال، آرامش از نتایج آنچنان نگاهی خواهد بود.

توصیه به فال نیک زدن

آیت‌الله جوادی‌آملی می‌نویسد: امروزه فال و فالگیری یک نوع پیشگویی و غیب‌گویی است که در اسلام برای افراد عادی حرام است. اما تفال (فال نیک زدن) دربرابر تطیر(فال بد زدن) در اسلام پذیرفته شده است. پیامبر(ص) درباره کارها فال نیک را می‌پسندید و فال بد نمی‌زد. مثلا در واقعه حدیبیه نام سهیل بن عمرو را که شنید، به مناسبت هم خانواده بودن دو واژه سهیل و سهل (آسان) آن را به فال نیک گرفت و به صلح حدیبیه و پایان نیک آن انجامید. زمان و مکان از آن جهت که ظرف رخدادهای مادی‌انه، نمی‌توان سعد و نحس امور را به آن نسبت داد. (مفاتیح‌الحیاه، ص ۷۵۸) داستان زیر نشانگر بی‌تاثیری زمان نسبت به سعد و نحس است.

یکی از اصحاب می‌گوید: خدمت امام هادی(ع) رسیدم، درحالی که در مسیر راه انکشمت مجروح شده بود و همان موقع سواری از کنارم گذشت و شادم نام زد صدمه دید و درمیان جمعیتی گرفتار شدم و لباس‌هایم نیز پاره شد. آن روز را به فال بد گرفتم و گفتم: ای روز بد، خدا مرا از شر تو حفظ کند. حجب روز شومی هستی!

امام سختم را شنید و فرمود: تو باما ارتباط داری و چنین سخنی می‌گویی؟ روز که گناهی ندارد. چرا آن را گناهکاری می‌شماری؟ از شنیدن این سخن به خود آمدم و گفتم: مولای من، از خدا طلب آمرزش می‌کنم. فرمود: هنگامی که کثیر اعمال شصا و نتایج آن در این روزها دامتان را می‌گیرد، روزها چه گناهی دارند که آن را شوم قلمداد می‌کنید. برو بخلف نکن و برای روزگار هیچ تاثیر در حکم خدا مقرر مکن. (تحف‌العقول، صص ۵۰۰–۵۰۱) به‌طورکلی انسان باید بداند که خدا پاداش و کفر را روی یک حساب معین یعنی براساس اعمال و افکار و عقاید درست یا نادرست و نیز اخلاقی نیک یا بد می‌دهد و نه نحسی و شومی فلان روز یا عدد یا صدای فلان حیوان. (پاژنده گفتار، ص ۱۵۴)

چگونگی مدیریت علمی انسان رشید

انسان رشید کتاب‌ها و مطالبی را به کار می‌برد که برای خود لازم می‌داند جمع می‌کند، آنها را مکرر مطالعه و دست‌نبدنی و سپس خلاصه می‌کند، خلاصه را یادداشت می‌کند و به حافظه می‌سپارد بعد به موضوع دیگر می‌پردازد. چنین فردی اگر حافظه‌اش ضعیف هم باشد، از آن حداکثر استفاده را می‌کند و مثل کسی می‌شود که کتابخانه منظمی با قفسه‌های مرتب دارد، کتابخانه‌ای که هر قفسه‌اش به کتاب‌های معینی در رشته خاص مربوط می‌شود. به طوری که هر کتابی را بخواهد، فوراً دست می‌گذارد روی آن و آن را می‌یابد، اما اگر غیر از این باشد، همانند آدمی است که کتابخانه‌ای با هزار ها کتاب داشته باشد. اما کتاب‌ها را روی یکدیگر ریخته است. هر وقت کتابی را بخواهد دو ساعت (حداقل) باید دنبالش بگردد تا پیدا کند.^(۱)

انسان و سرنوشت، شهید مرتضی مطهری (ره)، ص ۱۴۴

راهکار قرآنی برای برون رفت از مشکلات

انسان همواره با مشکلاتی مواجه است. هر کسی دوست دارد تا این مشکلات را از پیش روی خود بردارد، اما در بسیاری از موارد ناتوان از آن است، زیرا هر کاری در دنیا نیازمند تحقق مقتضیات و برداشته شدن موانع است؛ بسیاری از این مقتضیات و موانع بیرون از حوزه قدرت و عمل و اختیار ما است. همچنین بسیاری از مشکلات به گونه‌ای است که انسان از ورود آن به حوزه زندگی بی‌خبر است و ناگهان با مشکلات مواجه می‌شود و یا در هنگام انجام کاری و عملی با مشکلی برخورد می‌کند که کلیت کار را به مخاطره می‌اندازد.

خداوند مهم‌ترین راه بررونفت از مشکلات را تقوا و توکل دانسته و می‌فرماید: و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث یراه یتجسس و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدرا» و این قدرت و اختیار الهی را در پیش گیرد برایش راه بررونفتی است و خدا از جایی که گمانش را ندارد روزی‌اش را می‌دهد و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به بلوغ کامل می‌رساند و به راستی برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. (طه، آیه ۳ و ۲)

پس انسان باید تقوای الهی یعنی تقوای عام، عمل به واجبات و ترک محرمات و تقوای خاصی یعنی افزون بر آن‌ها عمل به مستحبات و ترک مکروهات و این تقوای خاص یعنی افزون بر آن‌ها، ترک میاحتاد در برخی از موارد را در نظر قرار دهد. سپس باور داشته باشد که هر چیزی در مقدرات الهی تعیین شده و خداوند هر امری را به آن حدش می‌رساند. این باور او را اهل توکل می‌کند و با عبارت: توکل علی‌الله، به استقبال عمل رفته و مزم را بر جزم انجام قرار می‌دهد.

زندگ خطر قرآن از ظهور پدیده قارون گرایي بعد از انقلاب الهی و بسستر از تجاع به سمت طاغوت و طاغوتی گری پیام اصلی نوشتار حاضر است که با تبیین سر گذشت قارون و نوع مواجهات حضرت موسی(ع) با وی و یادآوری بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون از تجاع، اشرافی گری و زیاده‌خواهی، هشدار خطرات قارون گرایی افراد در جامعه اسلامی امروز به رشته تحریر در آمده است.

ملاً و متصرف از نظر رویش و پیدایش در مقابل پیامبران به دو دسته قدیمی و نو رویش تقسیم می‌شوند که اصل، جنس، غایت و هدف آنها یکی هست اما از نظر قرآن و متون اسلامی گروه نو رویش خطرناک‌تر از گروه عظیم انقلاب پیرامون از تجاع، در نظر گرفته شده برای دسته نو رویش شدیدتر از گروه قدیمی است. گروه ملاً قدیمی گروه ثروتمندی هستند که در آغاز نهضت رسولان الهی در کنار طاغوت‌ها هستند و برای طاغوت‌ها بر علیه رهبران الهی تبلیغ می‌کنند. اما دسته دوم افرادی هستند که در کنار رسولان الهی با طاغوت و ملاً کنار آنها مبارزه کرده‌اند. بعد از مبارزه رسولان الهی با ملاً و طاغوت‌ها و شکست آنها و تشکیل حکومت توسط آنها خودشان به سمت طاغوتی‌گری و اشرافی‌گری حرکت کرده‌اند و هدف مبارزه را فراموش و در جهت مخالف آن حرکت می‌کنند. اینها را می‌توان ملاً و مترف نو رویش نامگذاری کرد که از بطن نظام تشکیل شده توسط رسولان و با بین باران خاص رسولان الهی رویش پیدا می‌کنند.

است و هر کدام با مفهومی جداگانه یاد می‌شوند. در قرآن از گروه اول با مفهوم «ظالمین و از گروه دوم با مفهوم «مغضوب علیهم» یاد می‌فرماید، ضمن اینکه «ظالمین» نیز منحصرأ مردمی هستند که از آنها تبعیت کرده‌اند. عذاب‌های هر کدام از اینها نیز نسبت به دیگری متفاوت است.

چگونگی شکل‌گیری پدیده قارون گرایی
پدیده «قارون‌گرایی» در قرآن از نوع دوم یعنی غضب شدگان (بنا بر آیات ۹۰، ۹۶ و ۱۰۷ نحل، ۱۶ شوری و آیه ۱۶ فصلت) که بعد از انقلاب حضرات موسی(ع) بر علیه طاغوت فرعون و ملاً در کنار او به وجود آمد. قارون از مؤمنانی بود که با حضرت موسی(ع) برای مبارزه با طاغوت فرعون و ملاً او همراه شد اما بعد از پیروزی حضرت موسی(ع) و تشکیل نظام الهی توسط ایشان و با گرفتن یک مسئولیت سیاسی در نظام ایشان تغییر ماهیت داد و به بیماری تکبر مبتلا و در نهایت خود به طاغوتی شبیه گرفت تبدیل شد.

درباره قارون به این صورت در قرآن آمده است: ﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُتُوبِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُضْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُجِثُ الْفَرَجِينَ﴾ «قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد ما آن قدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بودا (به خاطر آورد) هنگامی را که قومش به او گفتند: «ای همه شادی معزورانه مکن، که خداوند شادی نکندگان معزور را دوست نمی‌دارد» (قصص – ۷۶)

در فرهنگ لغت برای معنای: «فَتْنًا الرَّجُلُ» آمده است: آن مرد از حق عدول کرد و برای بغیا الْجَزْخُ آمده است: زخم ورم کرد و فاسد و چرکین شد. کلمه «فنی» در اصل به معنای طلب است اما چون زیاد در طلب حق دیگران با زور و تعدی استعمال شده، لذا فعلا از این کلمه معنای استعلاء و استکبار و گردن کلفتی نسبت به دیگران و ظلم و تعدی نسبت به آنان فهمیده می‌شود. (ترجمه تفسیر المیزان: ج ۱۲ ص ۴۷۹) و نکته مهم این است که قومش به او تذکر هم می‌دادند که «لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُجِثُ الْفَرَجِينَ» «فرحین» از ماده «فَرَحَ» جمع «فرح» به (کسر راء) به معنای کسی است که بر اثر به دست آوردن چیزی، معزور و متکبر شده و از پاده پیروزی سرسخت می‌باشد و از خوشحالی در پوست نمی‌گنجد. (سایت

قارون با اینکه در یک حکومت الهی مسئول بود، تفکر طاغوتی داشته و از رفتار فرعون الگوبرداری و به قول روانشناسان نسبت به او هم‌زادپنداری می‌کرد. بنابراین با اینکه از نظر زمانی از طاغوت فرعون متاخر است اما از نظر معنوی و فکری قرین و نزدیک و مقارن با او بوده است. این در حقیقت یعنی این همانی و اینکه قرآن نیز نام او را کنار فرعون قرار داده است و به نظر می‌رسد از نظر اهمیت خطر و آسیب این پدیده برای نهضت الهی بوده است و این به نوعی تذکر و هشدار و زنگ خطر است برای انقلابیون و کسانی که حکومت الهی تشکیل داده‌اند نسبت به این گونه افراد. همچنین می‌تواند دلالت بر این مطلب داشته باشد که خداوند خطر

قارون و طاغوت داخلی را مقدم بر خطر فرعون و طاغوت خارجی برای جبهه حق می‌داند. و ذهن (وهمیه) آنها تحت فرمان عقل‌شان قرار گرفته است که می‌توانند در این قضیه معیار عدالت خطرناک‌تر از گروه عظیم انقلاب پیرامون از تجاع، دهنند یعنی در حقیقت آنها به قابلیت تمیز خوب از بد رسیده‌اند، لذا زینت مادی را به زینت حقیقی ترجیح نمی‌دهند. آنها کسانی هستند که نه تنها تحت تاثیر زینت قارون قرار نمی‌گیرند بلکه از او به خاطر این باشند که او قرین (نزدیک) فرعون بوده است. وسایط و کاری که باید و شاید انجام می‌دهند و مسردم را نیز آگاه و نصیحت می‌کنند و خداوند نیز کارشان را تایید می‌فرماید. در واقع برای آنها از برکت تقا و عمل صالح و پایداری بر آن ملکه عدالت حاصل شده است. در صورت انعاده آمده است که اگر انسان با مراقبت از خود اول قوه بهیمی‌ه را و بعد از آن قوه غضبیه را تحت فرمان عقل قرار دهد، به کارها کاری که باید و شاید انجام می‌دهد: «دانستی که حقیقت عدالت یا لزام آن این است که عقل که خلیفه خداست غالب شود بر جمیع قوا تا هر یکی را به کاری که باید و شاید وادار. (معراج‌الساده، ص ۶۰)

بررسی طلوع و افول قارون (الف) ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فرد قارون

قارون از بنی‌اسرائیل و فامیل حضرت موسی(ع) بوده و ذهن (وهمیه) آنها تحت فرمان عقل‌شان قرار گرفته است که می‌توانند در این قضیه معیار عدالت خطرناک‌تر از گروه عظیم انقلاب پیرامون از تجاع، دهنند یعنی در حقیقت آنها به قابلیت تمیز خوب از بد رسیده‌اند، لذا زینت مادی را به زینت حقیقی ترجیح نمی‌دهند. آنها کسانی هستند که نه تنها تحت تاثیر زینت قارون قرار نمی‌گیرند بلکه از او به خاطر این باشند که او قرین (نزدیک) فرعون بوده است. وسایط و کاری که باید و شاید انجام می‌دهند و مسردم را نیز آگاه و نصیحت می‌کنند و خداوند نیز کارشان را تایید می‌فرماید. در واقع برای آنها از برکت تقوا و عمل صالح و پایداری بر آن ملکه عدالت حاصل شده است. در صورت انعاده آمده است که اگر انسان با مراقبت از خود اول قوه بهیمی‌ه را و بعد از آن قوه غضبیه را تحت فرمان عقل قرار دهد، به کارها کاری که باید و شاید انجام می‌دهد: «دانستی که حقیقت عدالت یا لزام آن این است که عقل که خلیفه خداست غالب شود بر جمیع قوا تا هر یکی را به کاری که باید و شاید وادار. (معراج‌الساده، ص ۶۰)

قارون گرایی

آفت حکومت الهی

مرضیه‌السادات حمیدی
بخش نخست
بود. در مورد او آمده که: «سورات را بهتر از همه می‌دانست و به کیمیاگری نیز آشنا بود، او بر جای گنج‌های یوسف آگاهی داشت.» (تاریخ انبیا» از آدم خلیفه‌الله(ع) تا خاتم رسول‌الله(ص)) دشمنی قارون با موسی علیه‌السلام – موسوی، سید مرتضی – سایت حوزه)

در تفسیر نمونه در مورد قارون اینگونه آمده است: «قارون از نظر اطلاعات و آگاهی، معلومات قابل توجهی از تورات داشت، نخست در صف مؤمنان

قارون از مؤمنانی بود که با حضرت موسی(ع) برای مبارزه با طاغوت فرعون و ملاً او همراه شد اما بعد از پیروزی حضرت موسی(ع) و تشکیل نظام الهی توسط ایشان و با گرفتن یک مسئولیت سیاسی در نظام ایشان تغییر ماهیت داد و به بیماری تکبر مبتلا و در نهایت خود به طاغوتی شبیه فرعون تبدیل شد.

کتاب) به زبان امروز «لا تفرح» یعنی ظرفیت داشته باش، از ثروت ذوق زده نباش و اعتماد به نفست هم بالا نرود. اما با اینکه تذکر می‌دادند چون او توجهی نمی‌کرد، بالاخره عداوی تحت تاثیر قارون قرار گرفت و تفکر او را پذیرفتند. رفتار قارون درباره مردم و عکس‌العمل آنها نسبت به او اینگونه در قرآن توصیف شده است: «فَفَرَحَ عَلٰی قَوْمِهِ فِی زِينَتِهِ قَالَ الَّذِیْنَ یُرِیْطُوْنَ الْحَیَاتَ الدُّنْیَا یَا لَیْتَنَا مِثْلَ مَا أُوتِیَ قَارُونُ اِنَّهُ لَذُوْ حَظٍّ عَظِیْمٍ» «پس (قارون) با کوکبه خود بر قومش نمایان شد، کسانی که خواستار زندگی با او بودند گفتند ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما (هم) داده می‌شد واقعا او بهره بزرگی دارد.» (قصص – ۷۹) قارون با زینت خود در مقابل مردم خارج شده، مردم آرزو کردند مثل کسی چیزی که به قارون داده شده بود به آنها هم داده می‌شد و گفتند او صاحب شانس و اقبال خیلی زیاد است. به زبان امروزی می‌گفتند او خیلی خوش شانس و خوش اقبال است. در فرهنگ لغت، حظ به معنای: طالع، شانس، بخت، اقبال، خوشبختی، قسمت و… آمده است. (سایت کتاب)

ایمانشان نسبت به خداوند علم کمتر بود، با دیدن او از داشت اغاغل می‌شدند و نسبت به چیزهایی که او داشت گرایش پیدا می‌کردند و در مقابل نسبت به پاداش اخروی ایمان و عمل صالح، مبارزه با طاغوت فرعون و تشکیل حکومت الهی بی توجه می‌شدند و آن را دست کم می‌گرفتند. (برگرفته از: ۸۰ سوره قصص) قارون از این آیه به این صورت استفاده کرده است: «خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ دانش نامه قرآن و قرآن‌پوهی، تهران، دوستان و ناھید، ۱۳۷۷، ش ۱، اول، ج ۲، ص ۱۶۱۸ – سایت ویکی‌فقه)
ب) قارون شایسته یک منصب دولتی از نظر رهبر الهی و مقبول از طرف مردم
حضرت موسی(ع) بعد از گرفتن حکومت از فرعون، قارون را حاکم بنی‌اسرائیل قرار داد و از مدیران و حکامین حضرت موسی(ع) شد اما او از این موقعیت سیاسی سوءاستفاده کرد و اینکه برای محرومین و مستضعفین درد کشیده از زیر بار طاغوت رھید، همراه نهضت حضرت موسی(ع) کار کند، شروع به ثروت اندوزی کرد و برای خودش یک جایگاه اجتماعی درست کرد و ضمن اینکه مانند فرعون به آنها ظلم نیز می‌کرد و در حقیقت با این رفتار طاغوت‌گونه‌اش آنها را از انقلاب کردنشان پیشمان و نسبت به رهبر الهی آن، حضرت موسی(ع) بدبین می‌کرد. و درباره او به اینص صورت آمده که: «موسى» به هنگام حضور در مصر، قارون را حاکم بنی اسرائیل کرد ولی قارون بر آنها ظلم می‌کرد. کلدیهای گنج‌های قارون بقدری زیاد بود که با شمت استر آنها را حمل می‌کرد. سنگینی کلدیهای آهنی بقدری زیاد بود که مجبور می‌شد آنها را از قارون بپردازد.» (کتاب تاریخ انبیا» از آدم خلیفه‌الله (ع) تا خاتم رسول‌الله(ص)) دشمنی قارون با موسی علیه‌السلام – موسوی، سید مرتضی – سایت حوزه)

ج) چگونگی تغییر ماهیت قارون
پدیده قارون در زمان حکومت حضرت موسی(ع)

قارون با اینکه در یک حکومت الهی مسئول بود، تفکر طاغوتی داشته و از رفتار فرعون الگوبرداری و به قول روانشناسان نسبت به او هم‌زادپنداری می‌کرد. بنابراین با اینکه از نظر زمانی از طاغوت فرعون متاخر است اما از نظر معنوی و فکری قرین و نزدیک و مقارن با او بوده است. این در حقیقت یعنی این همانی و اینکه قرآن نیز نام او را کنار فرعون قرار داده است و به نظر می‌رسد از نظر اهمیت خطر و آسیب این پدیده برای نهضت الهی بوده است و این به نوعی تذکر و هشدار و زنگ خطر است برای انقلابیون و کسانی که حکومت الهی تشکیل داده‌اند نسبت به این گونه افراد. همچنین می‌تواند دلالت بر این مطلب داشته باشد که خداوند خطر

بعد از نابودی فرعون به وجود آمد. قارون پسر عموی حضرت موسی(ع) بود و نام اصلی او (یصهر بن ناهث) بود (سایت ویکی‌فقه) در مورد معنای کلمه قارون در فرهنگ لغت به این صورت آمده است: «لغت‌شناسان برای لفظ «قارون» معنی خاصی ذکر نکرده‌اند. به گفته بعضی از آنان ممکن است وجه تسمی‌اش (و اینکه خاندان از او با نام قارون یاد فرموده است) به خاطر این باشد که او قرین (نزدیک) فرعون بوده است. (مصطفوی، حسن؛ التحقیق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸، ش، اول، ج ۹، ص ۷۵۱ – سایت ویکی‌فقه) به توجه به اینکه زمان قارون بعد از فرعون بوده است می‌شود معنای نسبت به را در مورد قارون به دوست‌دار فکر و رفتار فرعون معنا کرد. یعنی او با اینکه در یک حکومت الهی مسئول بود تفکر طاغوتی داشت و از رفتار فرعون الگوبرداری می‌کرد و به قول روانشناسان نسبت به او هم‌زاد پنداری کرده بوده است. بنابراین با اینکه از نظر زمانی از طاغوت فرعون متاخر است اما از نظر معنوی و فکری قرین – و نزدیک و مقارن با او بوده است. این در حقیقت یعنی این همانی و اینکه قرآن نیز نام او را کنار فرعون قرار داده است و حتی قبل از او (عنکبوت ۲۹) به نظر می‌رسد از نظر اهمیت خطر و آسیب این پدیده برای نهضت الهی بوده است و این به نوعی تذکر و هشدار و زنگ خطر است برای



قارون گرایی

آفت حکومت الهی

مرضیه‌السادات حمیدی
بخش نخست
بود. در مورد او آمده که: «سورات را بهتر از همه می‌دانست و به کیمیاگری نیز آشنا بود، او بر جای گنج‌های یوسف آگاهی داشت.» (تاریخ انبیا» از آدم خلیفه‌الله(ع) تا خاتم رسول‌الله(ص)) دشمنی قارون با موسی علیه‌السلام – موسوی، سید مرتضی – سایت حوزه)

در تفسیر نمونه در مورد قارون اینگونه آمده است: «قارون از نظر اطلاعات و آگاهی، معلومات قابل توجهی از تورات داشت، نخست در صف مؤمنان گردن نمی‌نهاد؛ به طوری که در مقابل قانون‌ها و احکامی که حضرت موسی(ع) از طرف خداوند برای پیشرفت جامعه الهی می‌کرد و در مقابل قانون‌ها و احکامات الهی نیز می‌کرد (همان روشی که بار قانون الهی شانه خالی کند، مشروعیت حضرت موسی(ع) را با تهمت و نشر اکاذیب زیر سؤال می‌برد. ضمن اینکه وجهه حضرت موسی(ع) را با مستخر کردن (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۲۲) تخریب می‌کرد، شان و قداست ایشان را در منظر مردم نشانه می‌رفت و شخصیت الهی‌شان را با این ابزار در چشم مردم – به یک فرد معمولی و حتی کمتر از معمولی تنزل می‌داد. (همان روشی که همه مخالفان رهبران الهی از آن استفاده می‌کردند و به خوبی نیز جواب می‌داد و خداوند نیز دالما این اسلحه مانع راه رسولان را خاطر نشان می‌سازد. (انعام – ۱۰) آیات زیاد در مورد استهزاء رسولان و عذاب شدیدی که در قرآن (حجر – ۹۵) برای آن در نظر گرفته پیام رسان شکنندگی و قدرت آن در مقابل رسولان است. رفتار و قیاحنه و جسارت آمیز

بود ولی ضعف ایمان و غرور و ثروت و کمی ظرفیت، او را به آغوش کفر کشانید.» (تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، اول، ج ۱۶، ص ۱۵۲) او غیر از علم سورات و علم کیمیا و علوم دیگر که در بالا به آن اشاره شد، علم انواع تجارت و کشاورزی و سایر مکاسب را نیز داشته است. (خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ دانش نامه قرآن و قرآن‌پوهی، تهران، دوستان و ناھید، ۱۳۷۷، ش ۱، اول، ج ۲، ص ۱۶۱۸ – سایت ویکی‌فقه)

ب) قارون شایسته یک منصب دولتی از نظر رهبر الهی و مقبول از طرف مردم
حضرت موسی(ع) بعد از گرفتن حکومت از فرعون، قارون را حاکم بنی‌اسرائیل قرار داد و از مدیران و حکامین حضرت موسی(ع) شد اما او از این موقعیت سیاسی سوءاستفاده کرد و اینکه برای محرومین و مستضعفین درد کشیده از زیر بار طاغوت رھید، همراه نهضت حضرت موسی(ع) کار کند، شروع به ثروت اندوزی کرد و برای خودش یک جایگاه اجتماعی درست کرد و ضمن اینکه مانند فرعون به آنها ظلم نیز می‌کرد و در حقیقت با این رفتار طاغوت‌گونه‌اش آنها را از انقلاب کردنشان پیشمان و نسبت به رهبر الهی آن، حضرت موسی(ع) بدبین می‌کرد. و درباره او به اینص صورت آمده که: «موسى» به هنگام حضور در مصر، قارون را حاکم بنی اسرائیل کرد ولی قارون بر آنها ظلم می‌کرد. کلدیهای گنج‌های قارون بقدری زیاد بود که با شمت استر آنها را حمل می‌کرد. سنگینی کلدیهای آهنی بقدری زیاد بود که مجبور می‌شد آنها را از قارون بپردازد.» (کتاب تاریخ انبیا» از آدم خلیفه‌الله (ع) تا خاتم رسول‌الله(ص)) دشمنی قارون با موسی علیه‌السلام – موسوی، سید مرتضی – سایت حوزه)

ج) چگونگی تغییر ماهیت قارون
پدیده قارون در زمان حکومت حضرت موسی(ع)

قارون با اینکه در یک حکومت الهی مسئول بود، تفکر طاغوتی داشته و از رفتار فرعون الگوبرداری و به قول روانشناسان نسبت به او هم‌زادپنداری می‌کرد. بنابراین با اینکه از نظر زمانی از طاغوت فرعون متاخر است اما از نظر معنوی و فکری قرین و نزدیک و مقارن با او بوده است. این در حقیقت یعنی این همانی و اینکه قرآن نیز نام او را کنار فرعون قرار داده است و به نظر می‌رسد از نظر اهمیت خطر و آسیب این پدیده برای نهضت الهی بوده است و این به نوعی تذکر و هشدار و زنگ خطر است برای انقلابیون و کسانی که حکومت الهی تشکیل داده‌اند نسبت به این گونه افراد. همچنین می‌تواند دلالت بر این مطلب داشته باشد که خداوند خطر

مردم گفت: موسی(ع) می‌خواهد مال مردم را بخورد، اول دم از نماز زد، شما طاعتش کردید و دستورهایی دیگر (سایت ویکی‌فقه) در مورد معنای کلمه قارون در فرهنگ لغت به این صورت آمده است: «لغت‌شناسان برای لفظ «قارون» معنی خاصی ذکر نکرده‌اند. به گفته بعضی از آنان ممکن است وجه تسمی‌اش (و اینکه خاندان از او با نام قارون یاد فرموده است) به خاطر این باشد که او قرین (نزدیک) فرعون بوده است. (مصطفوی، حسن؛ التحقیق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸، ش، اول، ج ۹، ص ۷۵۱ – سایت ویکی‌فقه) به توجه به اینکه زمان قارون بعد از فرعون بوده است می‌شود معنای نسبت به را در مورد قارون به دوست‌دار فکر و رفتار فرعون معنا کرد. یعنی او با اینکه در یک حکومت الهی مسئول بود تفکر طاغوتی داشت و از رفتار فرعون الگوبرداری می‌کرد و به قول روانشناسان نسبت به او هم‌زاد پنداری کرده بوده است. بنابراین با اینکه از نظر زمانی از طاغوت فرعون متاخر است اما از نظر معنوی و فکری قرین – و نزدیک و مقارن با او بوده است. این در حقیقت یعنی این همانی و اینکه قرآن نیز نام او را کنار فرعون قرار داده است و حتی قبل از او (عنکبوت ۲۹) به نظر می‌رسد از نظر اهمیت خطر و آسیب این پدیده برای نهضت الهی بوده است و این به نوعی تذکر و هشدار و زنگ خطر است برای

قارون با ترفند ژست روشنفکری دینی و طرفداری از مردم و شعار مردم‌سالاری، منافقانه در مورد ولایت حضرت موسی(ع) در بین مردم نظریه با لافقه مذهبی و تاثیرگذار ارائه می‌داد و عوام فریبانه ولایت الهی حضرت موسی(ع) را زیر سؤال می‌برد و شک و شبهه ایجاد می‌کرد. او با مخاطب قراردادن حضرت موسی(ع) در حقیقت ذهن مردم را تشنه کرده بود. در حقیقت با این سخنان به مردم اینگونه تلقین می‌کرد: شما مقدس هستید، خدا در بین شما نیست، جمعیت خداوند هستید پس احتیاجی به رهبر الهی ندارید او به مردم با این سخنان اینگونه القا می‌کرد که ولایت و رهبری حضرت موسی(ع) بی‌احترامی به شعور انماست؛ به سخنان او با مردم و نوع ادبیاتش در مورد حضرت موسی(ع) باید به صورت ویژه توجه شود: «قارون) بااشخاصی که از فرزندان ییسرائل (اسرائیل) یعنی دویست و پنجاه نفر... علیه مُثَنه (موسى) قیام نمودند. * بر ضد مُثَنه (موسى) و اُخْرَوْنَ (هارون) اجتماع نموده به آنها گفتند (فخر فروشی) برای شما کافی است چون که جمعیت تماماً مقدس هستند و خداوند در میان آن‌هاست چرا بر جمعیت خداوند فخر می‌فروشید؟» (اعاد): ۱۶: ۳-۲. ویکی شیعه دان‌شنامه مجازی مکتب اهل بیت(ع))

مسئله ثروت‌اندوزی قارون مسئله‌ای نیست که رهبر الهی را به مقابله با آن و دارد. مسئله مهم این است که قارون با تکبیه بر ثروتی که جمع کرده برای خود جایگاه اجتماعی در مقابل رهبر الهی درست کرده است و بر علیه نهضت حضرت موسی(ع) با گروهی قیام کرد. یعنی در حقیقت رفتار قارون و اینکه حضرت موسی(ع) با او به مقابله بر می‌خیزد، مسئله‌ای کاملاً سیاسی بوده و ارتباط مستقیم با نظام الهی داشته است و گرنه پیامبر اسلام(ص) در مورد تعلیه که از پرداخت زکات خودداری می‌کرد، فقط دو بار فرمودند: «ای بر تعلیه» و او زنده ماند، همه ثروتش از کفش رفت و به سوء عاقبت نیز دچار شد» (سایت عرفان‌ای،آر) نکته برای مقایسه با این مطلب درباره داستان تعلیه این است که نه تنها زکات نپرداخت حتی نسبت به پرداخت زکات اعتراض نیز کرد. در مورد او چنین آمده است: «پس از نزول حکم زکات، به دستور رسول خدا(ص)، مأموران جمع‌آوری زکات به سراغ تعلیه رفتند و برابر حکم خدا و رسول، از او طلب زکات کردند اما او از دادن زکات بخل ورزید و در جواب گفت: زکات در دیف جزیه‌ای است که از اقلیت‌ها مذهبی می‌گیرند و این برنامه، زوری است که بر ما ثروتمندان تحمیل می‌شود و من از دادن این‌گونه مالیات‌ها خود را معذور می‌بینم! (سایت عرفان‌ای،آر) ولی پیامبر(ص) با او کاری نداشتند چون حرکت سیاسی بر علیه نظام اسلامی پیامبر(ع) انجام نداد اما حضرت موسی(ع) با قارون مقابله کردند و او را از صحنه روزگار حذف کردند او سازگار نبود اعراض می‌کرد برای اینکه از زیر بار قانون الهی شانه خالی کند، مشروعیت حضرت موسی(ع) را با تهمت و نشر اکاذیب زیر سؤال می‌برد. ضمن اینکه وجهه حضرت موسی(ع) را با مستخر کردن (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۲۲) تخریب می‌کرد، شان و قداست ایشان را در منظر مردم نشانه می‌رفت و شخصیت الهی‌شان را با این ابزار در چشم مردم – به یک فرد معمولی و حتی کمتر از معمولی تنزل می‌داد. (همان روشی که همه مخالفان رهبران الهی از آن استفاده می‌کردند و به خوبی نیز جواب می‌داد و خداوند نیز دالما این اسلحه مانع راه رسولان را خاطر نشان می‌سازد. (انعام – ۱۰) آیات زیاد در مورد استهزاء رسولان و عذاب شدیدی که در قرآن (حجر – ۹۵) برای آن در نظر گرفته پیام رسان شکنندگی و قدرت آن در مقابل رسولان است. رفتار و قیاحنه و جسارت آمیز

بود ولی ضعف ایمان و غرور و ثروت و کمی ظرفیت، او را به آغوش کفر کشانید.» (تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، اول، ج ۱۶، ص ۱۵۲) او غیر از علم سورات و علم کیمیا و علوم دیگر که در بالا به آن اشاره شد، علم انواع تجارت و کشاورزی و سایر مکاسب را نیز داشته است. (خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ دانش نامه قرآن و قرآن‌پوهی، تهران، دوستان و ناھید، ۱۳۷۷، ش ۱، اول، ج ۲، ص ۱۶۱۸ – سایت ویکی‌فقه)
ب) قارون شایسته یک منصب دولتی از نظر رهبر الهی و مقبول از طرف مردم
حضرت موسی(ع) بعد از گرفتن حکومت از فرعون، قارون را حاکم بنی‌اسرائیل قرار داد و از مدیران و حکامین حضرت موسی(ع) شد اما او از این موقعیت سیاسی سوءاستفاده کرد و اینکه برای محرومین و مستضعفین درد کشیده از زیر بار طاغوت رھید، همراه نهضت حضرت موسی(ع) کار کند، شروع به ثروت اندوزی کرد و برای خودش یک جایگاه اجتماعی درست کرد و ضمن اینکه مانند فرعون به آنها ظلم نیز می‌کرد و در حقیقت با این رفتار طاغوت‌گونه‌اش آنها را از انقلاب کردنشان پیشمان و نسبت به رهبر الهی آن، حضرت موسی(ع) بدبین می‌کرد. و درباره او به اینص صورت آمده که: «موسى» به هنگام حضور در مصر، قارون را حاکم بنی اسرائیل کرد ولی قارون بر آنها ظلم می‌کرد. کلدیهای گنج‌های قارون بقدری زیاد بود که با شمت استر آنها را حمل می‌کرد. سنگینی کلدیهای آهنی بقدری زیاد بود که مجبور می‌شد آنها را از قارون بپردازد.» (کتاب تاریخ انبیا» از آدم خلیفه‌الله (ع) تا خاتم رسول‌الله(ص)) دشمنی قارون با موسی علیه‌السلام – موسوی، سید مرتضی – سایت حوزه)

قارون با ترفند ژست روشنفکری دینی و طرفداری از مردم و شعار مردم سالاری، منافقانه در مورد ولایت حضرت موسی(ع) در بین مردم نظریه با لافقه مذهبی و تاثیرگذار ارائه می‌داد و عوام فریبانه ولایت الهی حضرت موسی(ع) را زیر سؤال می‌برد و شک و شبهه ایجاد می‌کرد. او با مخاطب قراردادن حضرت موسی(ع) در حقیقت ذهن مردم را تشنه گرفته بود.

مردم در زمان امام حسین(ع) نسبت به ایشان ناشی از به کار گرفتن همین ابزار از طرف جبهه باطل است. نکته بسیار قابل توجه و تأمل در مورد قارون و اینکه بعد از تخریب حضرت موسی(ع) به خاطر منافق خود به هنگام مردم پسند با مردم محبت می‌کرد، آنها را بر علیه حضرت موسی(ع) می‌شوراند. همان درمی که دغغه اصلی حضرت موسی(ع) بودند و ایشان به خاطر این خود را با آب و آتش زده بود و قارون هیچ توجهی به این‌ها نداشت، به آنها ظلم نیز می‌کرد اما به زبان آنها را فریب می‌داد.

در مورد او چنین آمده است: موسی(ع) به او فرمود: خدای تعالی به من دستور داده که از بدنگاش زکات بگیرم، تو هم باید زکات ملت را از بدی، قارون از اطاعت این دستور سر باز زد و به

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۷
۲۶ ذی‌القعدة۱۴۳۹ – شماره ۲۱۹۷۴

چراغ راه

قال الامام الحسن(ع): «هلاک الناس فی ثلاث: الکبر، الحرص، الحسد: الکبر به هلاک الدین و به لعن ابلیس، الحرص عدو النفس و به اخراج ادم من الجنة، الحسد رائد السوء و به قتل قابیل هابیل».

امام حسن(ع) فرمود: هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر، حرص و حسد (که ریشه گناهان نیز به حساب می‌آیند) اما تکبر که به سبب آن دین از بین می‌رود و به واسطه آن ابلیس مورد لعنت قرار گرفت. اما حرص که دشمن جان آدمی است و به واسطه آن آدم از بهشت خارج شد. اما حسد که سر رشته بدی‌ها است و به واسطه آن قابیل هابیل را کشت.^(۱)

۱- بحار‌الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱

حکایت خوبان

با دانش الهی به مقابله با فتنه‌ها بروید!

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: پس از من فتنه‌هایی همچون پاره‌های شب تار اتمت را فرا بپوشاند. چندان که آدمی بر اثر آنها شب مومن باشد و روز کافر، روز مومن باشد و شب کافر. مردمانی دین خود را به اندک متاعی از دنیا می‌فروشند.^(۲)

همچنین آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: به زودی فتنه‌هایی پدید خواهد